

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۲ - ۵

واکاوی مبانی اخلاقی پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی به بزهکاری اطفال از منظر حقوق کیفری اسلام

روح الله ابراهیمی^۱

محمد علی حاجی ده آبادی^۲

سید علیرضا حسینی^۳

چکیده

مبانی اخلاقی پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی به بزهکاری اطفال بیانگر واقعیت‌ها و قواعدی است که صبغه اخلاقی داشته و در راستای حفظ و ارتقای ویژگی‌ها و خصائص اخلاقی در مقام پاسخگویی به جرایم و تخلفات کودکان و نوجوانان به کار بسته می‌شود و مشروعیت پاسخ‌ها در پرتو رعایت این مبانی می‌باشد. مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی و براساس رجوع به منابع معتبر اسلامی، ماهیت این مبانی را مورد بررسی قرار داده است، یافته‌های تحقیق حاکی از این است که در حقوق اسلام، مبانی اخلاقی پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی به بزهکاریهای نوجوانان افزون بر اتقان، متنوع نیز می‌باشند. اهتمام به رشد کودک، اصلاح و بازپروری، ترویج و تعالی فضایل اخلاقی محبت‌مداری و عدالت‌محوری از جمله این مبانی می‌باشند که به منظور تغییر در نحوه تفکر و عقاید کودکان و نوجوانان و بازسازی یا ایجاد احساسات و فضایل اخلاقی و پای‌بندی به رفتارهای اخلاقی بر اساس تعالیم دینی و اسلامی به کار گرفته می‌شوند و از این منظر به اعاده نظم و امنیت عمومی کمک می‌کنند.

واژگان کلیدی

پاسخ‌های تأدیبی، پاسخ‌های تربیتی، مبانی اخلاقی، نظم و امنیت عمومی، بزهکاری کودکان، حقوق اسلام.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

Email: rohollah1360ab@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: dr_hajidehabadi@yahoo.com

۳. استاد یار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

Email: seyed150@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۹/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۹

طرح مسأله

در میان ساحت‌های گوناگون تربیت، تربیت اخلاقی به دلیل نقش مهمی که در سرنوشت انسان و جامعه دارد، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است. تربیت اخلاقی جامعه است که می‌تواند نه تنها جلوی وقوع جرایم و انحرافات را بگیرد، بلکه زمینه‌های تعالی و تکامل معنوی جامعه را رقم زند. درحقیقت با اخلاق و تربیت اخلاقی است که به سبب اهمیتی که به تقویت کنترل‌های درونی در فرد می‌شود، در او رادع و مانعی قوی در قبال وسوسه‌ها و خواسته‌های نفسانی پدید می‌آورد و از این رو او را از مسیر انحراف و بزهکاری دور می‌سازد و به مسیر صلاح و صواب رهنمون می‌سازد. این مهم باید، به عنوان یک اصل و قاعده حاکم بر کنش‌ها و واکنش‌های جامعه با فرد مورد توجه قرار گیرد. از جمله حوزه‌های تعامل فرد و جامعه نوع مواجهه جامعه با بزهکاریها و جرایم شهروندان است. این مواجهه در قالب مواجهه کنشی و واکنشی و در هریک از این دو فرض رسمی و غیر رسمی و به عبارتی دولتی و غیر دولتی (جامعوی) نمود می‌یابد که امروزه از آن به سیاست جنایی تعبیر می‌شود. مواجهه‌های واکنشی رسمی جامعه در قبال جرایم عمدتاً در قالب قوانین و مقررات کیفری نمود می‌یابد. در هر حال آنچه مهم است، این است که این پاسخها و به عبارتی کنشها و واکنشها زمانی می‌توانند درست و کارآمد باشند که بر پایه ارزش‌های اخلاقی و در راستای تربیت اخلاقی فرد و جامعه باشند. در این میان، پاسخ‌دهی به بزهکاری‌های کودکان و نوجوانان به عنوان زیرساخت‌های آینده هر جامعه براساس ارزشهای اخلاقی و تربیت اخلاقی بسیار حائز اهمیت می‌باشند. چراکه سعادت و پیشرفت هر جامعه در گرو تربیت صحیح این قشر حیاتی است. از سوی دیگر، امروزه ضرورت توجه و بررسی به ارزش‌های اخلاقی بیش از هر زمان دیگر در جامعه احساس می‌شود. دوران کودکی و نوجوانی را باید دوره تمهید اخلاقی در نظر گرفت که با رعایت مبانی اخلاقی در این دوران تمهید، موجبات عمل و رفتار ناب و خالص دینی و اسلامی را در دوران جوانی و میانسالی و بزرگسالی فراهم می‌سازد. در غیر این صورت کودک و نوجوان در ورطه بزهکاری می‌افتد. براین اساس قانونگذار جهت پاسخ تأدیبی و تربیتی به بزهکاری کودکان و نوجوانان می‌کوشد در سایه اخلاق پاسخ‌های در خور توجهی برحسب نوع و حجم بزهکاری آنها ارائه دهد. اهمیت این پاسخ‌ها بدین جهت است که این پاسخ در شخصیت و نوع رفتارهای آتی آنها موثر می‌افتد. همانگونه که برخی پاسخ‌ها و مجازات‌ها می‌تواند کودکان را از مسیر صحیح به طور کامل خارج ساخته و از آنها بزهکاران حرفه‌ای بسازد، دادرسی صحیح و نیز پاسخ‌های انسانی، تأدیبی و تربیتی متناسب با رشد کودکان می‌تواند آنها را به مسیر صحیح بازگردانده و شخصیت انسانی آنها را تضمین نماید. برخی پژوهش‌ها نسبت به تاثیرات نوع پاسخ‌دهی به بزهکاری کودکان و

نوجوانان انجام گرفته است. به عنوان نمونه می‌توان به مقالات «واکوی مجازات‌های کودک از منظر فقه امامیه» نوشته احسان علی اکبری بابوکانی و همکاران (۱۳۹۰)، «روش‌های تأدیب کودک از نظر فقه و روان‌شناسی» نوشته ابوذر صناعی (۱۳۹۶) و «مبانی فقهی و حقوقی خشونت تربیتی در مواجهه با اطفال بزهکار» نوشته حیدر علی جهانبخشی (۱۳۹۹) اشاره نمود که البته هیچ یک به مبانی اخلاقی پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی اشاره ای ننموده اند؛ کتاب «مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی» نوشته خسرو باقری (۱۳۷۷) به مبانی پرداخته است که تنها بر مبانی فلسفی و روانشناسی تربیت انسان پرداخته است و اشاره ای به مبانی اخلاقی پاسخ‌دهی به کودکان بزهکار اشاره ای نکرده است. از این رو مقاله حاضر در صدد است تا مبانی اخلاقی پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی به بزهکاری اطفال در حقوق اسلام مورد مطالعه قرار دهد و این وجه تمایز آن پژوهش‌های انجام گرفته می‌باشد. بر همین اساس، جهت تبیین این مبانی، نخست واکوی مفاهیم کلیدی بحث و از جمله واژه مبانی، ضروری است؛ آنگاه مهم‌ترین مبانی پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. مفاهیم

– مبانی

«مبانی»^۱ در لغت ساختمان، شالوده، پایه، بنیان و اساس، ریشه و بنیاد یک چیز (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۵۲؛ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۴) و در اصطلاح رگها و ریشه‌های پنهان و نامرئی حقوق و کیفرها (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۹) است؛ «مبنا» تنها بیان‌کننده دلیل الزام‌ها و منشاء پنهانی تکالیف نیست، بلکه به ستون‌های اصلی می‌پردازد و در توضیح قلمرو و حاکمیت در آن نمودهای خارجی می‌کوشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۹) برخی نیز، «مبنا» را به معنای آنچه در پاسخ به چرایی یک قاعده و حکم قابل طرح است، آورده‌اند. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۸، ص ۷۷) در این مقاله نیز همین معنای اخیر مدنظر است. لذا، مبانی پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی، همان واقعیت‌های توجیه‌کننده و مشروعیت‌بخش پاسخ‌هاست.

– پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی

مقصود از پاسخ‌ها، تدابیر و اقدامات، کنش یا واکنشی است که در قبال بزهکاری اتخاذ می‌شود؛ در فقه جزایی اسلام واکنش‌هایی که در قبال بزهکاری کودکان ارائه می‌شوند «پاسخ‌های تأدیبی» نام دارند. فقها در مواردی که مرتکب جرم، صغیر و کودک است، از تعبیر «یؤدب»^۲ استفاده می‌کنند و البته گاهی از واژه «تعزیر»^۱ نیز مدد می‌جویند. ولی در هر حال

1. Foundations

۲. «لا حدّ علی الاطفال و لکن یؤدبونه ادبا بلیغا: اطفال حد نمی‌خورند اما شدیداً تأدیب می‌شوند» (نوری، ۱۴۰۸،

مقصودشان پاسخ‌های موثر در بهسازی شخصیتی و رفتاری کودک است. بنابراین پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی، پاسخ‌های اتخاذی، در راستای اصلاح و تربیت کودک است که در شمار «اقدامات تأمینی و تربیتی» جای دارند. این اقدامات شامل برخی تدابیر قانونی الزام آور بوده که در خصوص افراد دارای حالت خطرناک، به منظور حفظ نظم عمومی جامعه اجرا می‌گردد، بدون اینکه اثر مسئولیت اخلاقی و معنوی بر جای گذارند (ایمن، ۱۳۷۰، ص ۱۲۴). البته امروزه در کنار اقدامات تأمینی، اصطلاح «اقدامات تربیتی» نیز آورده می‌شود. (صانعی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۶۹). اقدامات تأمینی و تربیتی شامل دو جنبه اصلی و مهم می‌باشد: (۱) جنبه تأمینی و (۲) جنبه اصلاحی. اقدامات تأمینی مطابق قانون نیز تدابیری هستند که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم نسبت به مجرمین خطرناک اتخاذ نموده است. (ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹). لذا، صدور حکم اقدام تأمینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم گردیده باشد.

- اخلاق

اخلاق، جمع خلق و به معنای سرشت، خوی، طبیعت و ... است که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود؛ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۸۶) لذا، اخلاق صفات نهادینه شده درونی انسان است. به طوری که هم شامل خوی‌های نیکو و پسندیده و هم شامل خوی‌های زشت و ناپسند می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، صص ۱۳-۱۴)

- بزهکاری کودکان

بزه در لغت به معنای اِثم، سَیئه و خَطِیئه (محمدی اشتهاری، ۱۳۷۶، ص ۷). «گناه» و ذنب، (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۲۵۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۲۱۸). جرم، خطا، (معین، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲۵) غلط، نافرمانی، تبهکاری، جنایت، عصیان، تقصیر و معصیت، (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲۱، ص ۴۲۷). قطع کردن، چیدن میوه از درخت، حمل کردن، کسب کردن، ارتکاب گناه و وادار کردن به کاری ناپسند (فراهِیدی، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۶ ص ۱۱۹). و در آموزه های اسلامی به معنای نافرمانی از دستورات خداوند (محمدی اشتهاری، ۱۳۷۶، ص ۷). و انجام دادن کار نهی شده از سوی خدا و یا ترک کار امر شده آمده است. (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۴۲۹). در معنای حقوقی بزه و جرم مترادفند و بزهکار کسی است که مرتکب یکی از جرایم مندرج در قوانین کشوری که در آن زندگی می‌کند می‌گردد. مع الوصف وقتی بزهکاری

۱. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي آدَبِ الصَّبِيِّ وَالْمَمْلُوكِ فَقَالَ خَمْسَةٌ أَوْ سِتَّةٌ وَارْفُقْ؛ حماد بن عثمان می‌گوید: از امام صادق (ع) در مورد مقدار تأدیب صبی و برده سؤال کردم. حضرت فرمود: پنج یا شش ضربه و نرمی کن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۶۷).

کودکان مدنظر است، افزون بر این معنا به ارتکاب اعمالی که جامعه برای کودکان به لحاظ حساسیت سنین رشد و تأثیرگذاری رفتارها بر سلامت و شخصیت آنها در بزرگسالی بوده را نیز در بر می‌گیرد. هر چند ممنوعیت ارتکاب چنین رفتارهایی در قالب قوانین و مقررات کیفری اندراج پیدا نکرده باشد. رفتارهایی همچون استعمال سیگار یا دیر به خانه آمدن و... بنابراین، بزهکاری کودکان یعنی هرگونه رفتار یا ترک رفتاری که از سوی کودکان و نوجوانان انجام گیرد که خلاف و ناقض قانون و مقررات اجتماعی باشد و در نتیجه برای آن در قانون، مجازات مشخصی تعیین شده باشد، بزهکاری کودکان نام دارد.

– کودک

کودک در لغت، طفل و صغیر، (جوهری، ۱۴۱۰، ذیل «طفل»؛ واسطی زبیدی، ۱۴۱۴، ذیل «صغر»)، خردسال، (معین، ۱۳۹۱)، کوچک، (دهخدا، ۱۳۷۷)، و نابالغ^۱ است. در اصطلاح فقهی نیز، ابتدای کودکی از لحظه انعقاد نطفه می‌باشد (حبیبی، ۱۳۸۱، ص ۳۳). که آیات متعدد قرآن^۲ از آن با عنوان «جنین» یاد نموده‌اند. بنابراین، کودک کسی است که به حد بلوغ شرعی (پسران ۱۵ سال قمری و دختران ۹ سال قمری) نرسیده باشد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۴؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۸۲). از نظر امام خمینی (ره) نیز کودک کسی است که از تصرف در اموالش ممنوع است. (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۵۲۰). بنابراین، از نظر فقهی به پسر زیر پانزده سال تمام قمری و دختر زیر نه سال تمام قمری، کودک اطلاق می‌گردد. البته صغیر به ممیز و غیر ممیز تقسیم می‌شود. صغیر غیر ممیز مرحله قبل از تمییز و تشخیص است و در این دوره کودک مسئولیت کیفری ندارد. اما صغیر ممیز کودکی که بتواند اجمالاً بین نفع و ضرر خود فرق بگذارد و معاملات سودآور را از زیان آور تشخیص دهد. (حلی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۱۱۰)

۲. گونه‌شناسی مبانی اخلاقی پاسخهای تأدیبی و تربیتی به بزهکاری اطفال در حقوق اسلام

در حقوق اسلام هرچند شرط مسئولیت کیفری بلوغ است؛ اما چنین نیست که کسانی که زیر سن مسئولیت کیفری هستند، یکسره رها شده و هیچ نوع پاسخی دریافت ندارند. منابع روایی و فقهی در چنین صورتی پاسخی که به «تأدیب» اشتهار یافته را تجویز و ضرورت دانسته‌اند، تا جایی که می‌توان از تأدیبات در عرض تعزیرات به عنوان دسته‌ای خاص از پاسخ‌های کیفری اسلام به جرایم یاد کرد. واکاوی ماهیت این پاسخهای تأدیبی و تربیتی به بزهکاری اطفال، تاکنون آنطور که باید و شاید صورت نگرفته است. در این مقاله ماهیت این پاسخها تنها

۱. منظور از نابالغ نرسیدن به سن بلوغ است.

۲. سوره حج (۲۲)، آیه ۵؛ سوره مؤمنون (۲۳)، آیه ۱۴؛ سوره غافر (۴۰)، آیه ۶۷؛ سوره قیامه (۷۵)، آیه ۳۸ – ۳۷.

از منظر اخلاقی مورد بررسی و تحلیل قرار داده می‌شود. در مقام تأدیب و تربیت کودکان فقها مبنای ای را در نظر گرفته‌اند که در ذیل به بررسی هر یک پرداخته می‌شود.

– اهتمام به رشد کودک

رشد یا نمو به دگرذیسی های پی‌درپی و سامانندی گفته می‌شود که از زمان زایش تا مرگ رخ می‌دهد. (هیلمگارد، ۱۳۶۲، ص ۴۴۸) از دیدگاه اسلام رشد، معنای ارزشی و اخلاقی عمیق و گسترده‌ای دارد. این کلمه به معنای عاقل، بالغ، هدایت‌دانی، (دانا، ۱۳۸۷، ص ۶۹۱) صلاح و کمال یافتن (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۱۲۳) آمده است. بنابراین از نظر اسلام رشد از جایگاه والا و ارزشمندی برخوردار است که انسان می‌تواند در مسیر تعالی و کمال خویش با تحمل سختی‌ها بدان دست یابد و به این جایگاه عظیم نائل آید. بر همین اساس است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: « هنگامی که خداوند خیر کسی را می‌خواهد او را در دین فقیه و آگاه می‌سازد و رشدش را به او الهام می‌کند. » (متقی هندی، ۱۴۱۳، ج ۲۸۶۹۰) بنابراین، از دیدگاه اسلام رشد و تربیت اخلاقی ملاک است که در صورت نائل آمدن به آن، انسان به جایگاه رفیع اخلاقی و ارزشی می‌رسد. اما برای دستیابی به این نوع تربیت، انسان فطرتاً، از آغاز تولد برای تربیت‌پذیری آمادگی دارد، لذا، هرچه این امر در سنین پایین‌تر انجام گیرد نتایج بهتری خواهد داشت. در دوره رشد، مغز کودک آمادگی پذیرش هر نوع تأثیری است؛ زیرا هرچه در اختیار کودک قرار گیرد، فوراً مجذوب آن می‌شود. بر همین اساس، اخلاق کسب شده در دوران رشد و کودکی آثار مهمی در مراحل بعدی زندگی به جای می‌گذارد. نظر به اهمیت این دوران، اسلام در بسیاری از آیات^۱ دوران رشد انسان را از کودکی تا بزرگسالی به سه دوره سیادت (دوران طفولیت یعنی سن تولد تا ۷ سالگی)، اطاعت (دوران بلوغ یا نوجوانی یعنی سنین ۷ تا ۱۴ سالگی) و وزارت (جوانی یا بزرگسالی یعنی سنین ۱۴ تا ۲۱ سالگی) تقسیم نموده است که بر اساس روایات مهمترین این دوران در جهت رشد تربیت دینی و اخلاقی، دوران طفولیت و بلوغ (بدو تولد تا ۲۱ سالگی) می‌باشد. پیامبر اکرم (ص) کودک را در هفت سال اول سید و آقا، در هفت سال دوم مطیع و فرمانبردار و در هفت سال سوم وزیر و مشاور یاد نموده‌اند. (حر عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۱۲۴). بنابراین، با توجه به فرمایش پیامبر (ص) کودک باید تا هفت سالگی آزاد باشد و به حال خود رها گردد و تربیت و ادب وی از هفت سالگی تا چهارده سالگی انجام گیرد.

از دیدگاه اسلام وجود فطرت امری مسلم و قطعی است، و دین اسلام هم دین فطرت است و به همین دلیل جاویدان است. فطرت همان طبیعت و سرشت انسان است و پیداست که سرشت اکتسابی نیست. اسلام به عوامل ارثی و تاثیر آن در رشد انسان توجه خاصی دارد و

۱. آیه ۵۴ سوره روم؛ آیه ۶۷ سوره غافر؛ آیه ۵۹ سوره نور و ..

مجموعه عوامل قبل از تولد، از قبیل نحوه انتخاب همسر، زمان ازدواج، زمان تشکیل نطفه و تاثیر عوامل ژنتیکی، ایام بارداری، هنگام تولد و زمان زایمان را در رشد و سلامت جسمی و روانی انسان موثر می‌داند و به آنها عنایت دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «شقاوت انسان بدبخت و سعادت انسان خوشبخت در شکم مادر تعیین می‌گردد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۳) بنابراین، والدین مهمترین نقش کلیدی در رشد و تربیت دینی کودک را ایفا می‌کنند که با رعایت دستورات و برنامه‌های اسلامی برای زمان قبل از بارداری و دوران بارداری و ... نسبت به پرورش و تربیت اسلامی کودک همت گمارند؛ به طوری که در آینده نیز از راه راست منحرف نشود و به بزهکاری روی نیاورد. چرا که تربیتی که اسلام پیش بینی نموده است به دور از انحرافات است.

اسلام دینی است که از همان لحظه انعقاد نطفه برای کودک حقوقی را مدنظر قرار داده است. به عنوان نمونه با انعقاد نطفه کودک، جزو یکی از وارثان می‌گردد. همچنین هر کودکی از این حق برخوردار است که از نام نیکو برخوردار باشد؛ با شیر مادر تغذیه گردد، نسبت به وی مهر و محبت روا گردد و از هر گونه کودک آزاری به دور باشد. بر همین اساس است که پیامبر (ص) بر احترام به کودک و رفتار پسندیده با وی را مورد تأکید قرار داده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۱۱۴) زیرا ایشان خود با کودکان بدین نحو رفتار می‌نمودند.

از دیدگاه اسلام افراد بشر خصوصیات و استعدادی متفاوت دارند و هر کس از توانایی و ظرفیت معینی برخوردار است؛ لذا وجود تفاوت‌های فردی به عنوان یک امر مسلم و ضروری مورد قبول واقع گردیده که لازمه زندگی بشر است. در رشد و تربیت دینی نیز باید اصل تفاوت فردی رعایت شود و اهمیت به آن را از ویژگی‌های خوب والدین به حساب آورد. در همین راستا اسلام یکی از ضروریات را برنامه ریزی و بکار بردن روش‌های خاص تربیتی دانسته است که یکی از آنها طرز رفتار با کودک است؛ به طوری که رفتار با کودک باید با رفتاری که با بزرگسالان است، تفاوت داشته باشد.

مقتضیات زمان نیز عامل دیگری است که در رشد و تربیت دینی کودک نقش بسزایی دارد. اسلام نیز تأکید زیادی نسبت به توجه والدین به این امر در تربیت دینی کودک داشته است که شرایط و اقتضای محیط را نیز در تربیت نمودن کودک در نظر بگیرند. در روایتی از امام علی (ع) نیز به عدم تحمیل آداب و رسوم زمان با فشار و زور به کودک تأکید داشته‌اند که آنها برای زمان خود آفریده شده‌اند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۲۶۷).

– اهتمام به اصلاح رفتارهای نابهنجار کودک

از اساسی‌ترین، ظریف‌ترین و حساس‌ترین وظایف والدین در امر تربیت کودک، برخورد شایسته در مواجهه با لغزش‌ها و خطاهای کودکان و اصلاح و تغییر رفتار ناشایست و نادرست

آنان است. در این باب، رفتار اصلاح‌گرایانه والدین باید برگرفته از آموزه‌های تربیتی اهل بیت (ع) باشد؛ چرا که کودکان به عنوان سرمایه‌های مهم و ارزشمند هر جامعه باید از تربیت صحیح برخوردار باشند. بر همین اساس، در صورتی که کودک منجر به رفتار ناصواب و انحرافی شد، والدین باید با رفتار اصلاح‌گرایانه با آنها برخورد نمایند تا بتوانند آنها را نسبت به رفتار ناشایستی که انجام داده‌اند آگاه نمایند. البته روی آوردن کودک به رفتارهای انحرافی اغلب از کیفیت رفتار و تعامل خود والدین سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا ممکن است والدین نسبت به تربیت اخلاقی و دینی، مراعات حلال و حرام و آموزش احکام دینی به کودکان بی تفاوت بوده و یا نسبت به کودک نظارت و کنترل کافی مبذول نمایند و یا خود والدین خلاف‌ها و ناهنجاری‌ها را در منظر کودکان خیلی عادی جلوه دهند و برای کودک نیز عادی باشد.

از آنجایی که در دوران کودکی شخصیت کودک در حال شکل‌گیری است باید اصول اخلاقی را به بهترین شکل مناسب به او تعلیم داد در این اساس در شریعت مقدس اسلام هر چند کودک بزهکار از مسئولیت کیفری مبرا دانسته شده یا تنبیه او در مسائل اخلاقی به همراه رأفت و گذشت می‌باشد اما به جهت اصلاح و بازپروری کودک در آینده حکم به تأدیب و تعزیر او شده تا رفتار وی در مسیر صحیح شکل بگیرد.

بر اساس برخی روایات هدف سیاست کیفری و تربیتی اسلام، هدفی اصلاح‌گرایانه و در نهایت رسیدن به قرب الهی می‌باشد؛ که می‌توان این روایات را در دو گروه جای داد. برخی روایات خاص می‌باشند با این مضمون که در صورتی که پاسخ تأدیبی به کودک به جا و به موقع داده شود، می‌تواند به اصلاح وی در آینده بینجامد و وی را از رفتار ناصواب و غیر اخلاقی برحذر نماید. امام علی (ع) نیز در روایتی فرمودند: «کسی که خوش رفتاری او را اصلاح نکند، خوب کیفر دادن او را اصلاح خواهد کرد.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۹۷). همچنین در روایت دیگری آمده است: «اصلاح خوبان به بزرگداشت آنهاست و اصلاح بدان، به تنبیه و عقاب آنهاست.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۸۲). بنابراین مطابق این دو روایت روشن می‌شود که تنبیه اثر اصلاحی داشته و در مواردی که اگر احیاناً اثر اصلاحی هم نداشته باشد، دست کم اثر بازدارندگی خواهد داشت.

اما برخی روایات، اشاره به تربیت دینی و اخلاقی کودکان دارند؛ در واقع با توجه به اینکه نهاد خانواده در آیین مقدس اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و به سبب ارزش این جایگاه برای والدین حقوقی نسبت به فرزندان‌شان برشمرده شده است و از جمله این حقوق، امر به تربیت صحیح کودک و حفظ او از معاصی است که در اینجا با ذکر ادله‌ای که امر به تربیت کودکان کرده، به این مهم دست می‌یابیم که هدف اسلام پرورش نسل آتی که این هدف در سایر ابعاد و سیاست‌های شریعت مقدس اسلام از جمله سیاست کیفری آن لحاظ شده است. به عنوان نمونه پیامبر

اکرم (ص) در باب تربیت فرزند و این وظیفه مهم والدین فرمود: فرزندان خود را گرامی بدارید و ادب نیکو به ایشان بیاموزید. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۶۸). یا در روایت دیگری آمده است که شخصی نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و عرضه داشت: ای رسول خدا حقوق فرزندم چیست؟ حضرت فرمود: نام نیکو بر وی بگذاری و او را خوب تربیت کنی و در موضع نیکو بنشانی. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲۱، ص ۴۷۹). بنابراین همانطور که در این دو روایت دیده می شود، تأدیب و تربیت کودکان، به عنوان یکی از حقوق کودک و وظیفه تربیتی در مسائل اخلاقی بر عهده پدران گذاشته شده است.

تربیت بزهکاران و اصلاح اخلاقی آنها البته اختصاصی به دوران کودکی ندارد برخی آیات قرآن از جمله آیه ۱۶۰ سوره بقره و آیات ۱۶ و ۱۷ سوره نساء تأکید به توبه بعد از ارتکاب جرم دارند؛ زیرا در شریعت مقدس اسلام هرگاه فردی مرتکب جرم و عمل نامشروعی شود، تشویق به توبه و بازگشت از مسیر شده است و حتی مواردی در کنار توبه، مسئله اصلاح نفس او هم مطرح گردیده است. (قیاسی و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۷۹). در واقع این مطلب حاکی از آن است که هدف مجازات در اسلام صرف اجرای قانون و برقراری نظم در جامعه نیست، بلکه در کنار اجرای قانون توجه به اصلاح و تربیت افراد شده تا ریشه جرم و معاصی از اساس قطع شود. اما این مهم در مورد کودکان با پذیرش پاسخ های تادیبی مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است. از این رو، در راستای جلوگیری از تکرار جرم و خطا و اصلاح و تربیت کودک، اقدام به تعزیر و تأدیب او پذیرفته شده است. (صانعی، ۱۳۹۷، صص ۲۱۸ - ۲۱۹).

با توجه به اینکه هر معلولی علتی دارد، از نظر والدین هر رفتار انحرافی که از کودک سر می زند نیز دارای علتی است؛ لذا، برای اصلاح رفتار انحرافی باید به علت و منشأ آن دست یافت و آن را تغییر داد و محو نمود. در روایتی از امام علی (ع) آمده است: «آن کس که بزرگی و کرامت نفس خود را باور داشته باشد آن را با گناه و خطا پست و ذلیل نخواهد کرد.» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۳۹). بر اساس این فرمایش منشأ لغزش و خطا فقدان عزت نفس و روحیه خودباوری در فرد می باشد. بنابراین در صورتی که شیوه تربیتی تغییر کند و روش صحیح تربیت دینی و اخلاقی در مورد خطاها و لغزش های کودکان بکار گرفته شود می توان به اصلاح کودک دست یافت. البته، در صورتی که تأدیب و تنبیه کودک برای تربیت و اصلاح نباشد، بر کودک، لطمه ی روحی و جسمی وارد می کند که ظلم است و به حکم عقل ظلم قبیح و ناپسند است و بنای عقلا نیز آن را نکوهش می کند؛ ولیکن در صورتی که به منظور حفظ نظام اسلامی و جلوگیری از آلودگی و فساد باشد، از واجبات بزرگ است و از اهمیت خاصی برخوردار است و این به حکم عقل است که باید بزهکار را تعزیر کرد؛ مؤید این دلیل عقلی روایتی از امام رضا (ع) راجع به دلایل نصب امام است: «خداوند امام را قیّم مردم قرار داد تا آنها را از انجام فساد باز

دارد و احکام الهی را به اجراء درآورد.» (صدوق، ۱۳۸۶، ص ۲۵۲) بر همین اساس، برخی از این شیوه‌های اصلاح رفتار در پرتو سیره و سخن اهل بیت (ع) که والدین بایستی نسبت به تربیت دینی و اصلاح آنها به کار گیرند.

والدینی که نسبت به اصول و ارزش‌های دینی پایبند و دارای اعتقادات مذهبی عمیق می‌باشند، معمولاً از خطا و لغزش در جامعه به دور بوده و کمتر دچار انحرافات اخلاقی و اجتماعی می‌گردند؛ به تبع کودکانی هم که در دامن این والدین پرورش یافته‌اند، کودکانی صالح و به دور از رفتارهای ناشایست و غیراخلاقی می‌باشند. به همین دلیل است که امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: «قبل از پیشی گرفتن گروه‌های منحرف بر شما، نوجوانان خود را با احادیث و معارف ما آشنا کنید (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۱۱). بنابراین، والدین و مربیان می‌توانند با پرورش ایمان مذهبی و تمایل به اعتقادات دینی که در فطرت هر انسانی نهفته است، نسبت به جهت دادن فطریات کودکان در شکوفائی این حس درونی اقدام نموده و آنها را در مسیر تربیت دینی و اخلاقی سالم قرار دهند. نمونه بارز ایجاد فضایی مذهبی و جذاب برای کودک در خانواده می‌باشد.

- اخلاق مداری

اخلاق، بخشی از آموزه‌های دین اسلام است که به فضایل و رذایل اعمال انسان می‌پردازد. اخلاق به صفات درونی انسان گفته می‌شود که در درون نهادینه شده است. این واژه، هم خوی‌های نیکو و پسندیده مانند جوان‌مردی و دلیری را شامل می‌شود و هم خوی‌های زشت و ناپسند همچون فرومایگی و بزدلی را؛ (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۹-۲۰؛ معلمی، ۱۳۸۴، ص ۱۳-۱۴) همچنین اخلاق فردی چون صبر و شجاعت و اخلاق اجتماعی مثل تواضع و ایثار را در بر می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۷۶) اخلاق اسلامی بخشی از آموزه‌های دین اسلام است که از فضایل و رذایل اعمال انسان سخن می‌گوید. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸۵) دین اسلام برای اخلاق، اهمیت فراوان قائل شده است و هدف مهم رسالت پیامبر (ص) را اصلاح اخلاق انسان‌ها بیان کرده است. (بقره، ۱۵۱؛ آل عمران، ۱۶۴؛ جمعه، ۲) پیامبر اسلام (ص) در روایتی، هدف از نبوتش را تکمیل فضایل اخلاقی معرفی کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹، ص ۳۷۵؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۸۷) بر این اساس، از جمله اهداف دین در زندگی انسان‌ها، اداره زندگی فردی و اجتماعی است که این مهم تنها در پرتو مجموعه خاصی از دستورهای اخلاقی، تأمین می‌شود. لذا، باید گفت: دین، بدون اخلاق، به اهداف خود نمی‌رسد و سعادت دنیا و آخرت انسان تأمین نمی‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۳) چنین اخلاقی دارای دو جنبه فردی و اجتماعی است. به طوری که جنبه فردی آن بدون در نظر گرفتن اجتماع قابل طرح است و جنبه اجتماعی آن، در رابطه فرد با انسان‌های دیگر، شکل می‌گیرد؛ به گونه‌ای که

اگر یک انسان، تنها زندگی کند، برای وی مطرح نخواهد شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۷۶)

یکی از دلایل پیچیدگی هر مبنایی در خصوص پاسخ، این است که چنین مبنایی باید از قبل موضع خود را در خصوص بسیاری مسائل دشوار اخلاقی و حقوقی مشخص نموده باشد. پر واضح است که پیش فرض مبنای اخلاق مداری نیز اتخاذ موضع مخصوصی درباره ماهیت اخلاق و اختیار کودک است و همین موضع است که آن را از رقبای دیگرش متمایز می‌گرداند. بنابراین، بر اساس مبنای اخلاق مداری منظور از پاسخ آن نیست که کودک در مقابل آنچه جامعه انجام آن را از او می‌خواهد به نحوی شرطی شود؛ بلکه بنابر این مبنا، مقصود از پاسخ، آموزش این نکته به کودک بزهکار است که آنچه او انجام داده (یا قصد انجامش را دارد)، از آنجا که به لحاظ اخلاقی عملی نادرست است و نباید مرتکب آن شد، ممنوع شده است. به عنوان مثال، در صورتی که کودکی مرتکب بزه ای گردد و والدین نسبت به وی پاسخ تأدیبی تنبیه را اعمال نمایند، در واقع، هدف از پاسخ بر اساس این مبنا، فهماندن نادرستی عمل به کودک بزهکار است. در این صورت، در مبنای اخلاق مداری طبیعتاً از پیش مفروض است که اساساً واقعیتی به نام درست و نادرست وجود دارد. به عبارت دیگر، این مبنا طبیعتاً مبتنی بر عینیت‌گرایی اخلاقی^۱ است. از این‌رو، بر اساس این مبنا، هدف پاسخ تأدیبی یا کیفری باید چیزی بیش از صرف بازدارندگی از ارتکاب برخی بزه‌ها باشد، یعنی چنین پاسخی باید بکوشد تا دلایلی اخلاقی برای عدم ارتکاب بزه در اختیار کودک قرار دهند. با این وجود، مطابق این مبنا می‌توان مداوای همراه با رنج کودکانی را که اختیارشان را از دست داده و قانونی را نقض کرده‌اند، به منظور بازداشتن آنها از ارتکاب اعمالی مشابه در آینده، توجیه‌پذیر دانست؛ اما مبنای اخلاق مداری چنین معالجه‌ای را پاسخ نمی‌نامد. پس یک تمایز موجود میان مبنای اخلاق مداری و توجیه مبتنی بر بازدارندگی پاسخ، این است که بر اساس مبنای اخلاق مداری، والدین درصدد استفاده از رنج به صورتی قهرآمیز و برای ریشه‌کن ساختن تدریجی برخی رفتارهای ناشایست کودک نیستند، بلکه تمایل دارند کودک را به لحاظ اخلاقی آموزش دهند، به نحوی که کودک به انتخاب خود برخی رفتارهای ناصواب را کنار نهند. اما افزون بر این تمایز، اینکه بر اساس مبنای اخلاق مداری پاسخ تأدیبی یا کیفری به عنوان راهکار درمانی کودک بزهکاری که دارای اختلال روانی یا شخصیتی است و بیمار محسوب می‌گردد، واقع نمی‌شود، بلکه پاسخ به عنوان راهکاری است برای رساندن پیامی اخلاقی به کودکی که عملی غیراخلاقی انجام داده و باید به خاطر این عمل مسئول دانسته شود.

در مبانی فقهی و اسلامی نیز اخلاق مداری به عنوان مبنای تربیت دینی در آیات^۱ و روایاتی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. به طوری که قرآن به عنوان منبع کامل مبانی اسلامی حدود تکلیف والدین را نسبت به تربیت اخلاقی کودکان در آیه و قیاس^۲ مشخص نموده است. مطابق این آیه، بزهکار شدن کودک به دلیل عدم توجه والدین به تربیت دینی و اخلاقی آنها در هفت سال اول زندگی آنها می باشد. (جان بزرگی، ۱۳۸۷، ص ۱۳) علاوه بر این، تربیت دینی و اسلامی کودک تنها با انس و الفت آنها با آموزه های دینی تحقق می یابد و از لحاظ سنی نیز در دوران قبل از بلوغ این نوع تربیت مؤثر می باشد؛ چرا که بعد از دوران بلوغ کودک علاقه و تمایل درونی به این نوع تربیت از خود نشان نمی دهد و لذا، این نوع اقدامات تربیتی بر رشد اخلاقی وی کارایی ندارد. (موحدی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۵) البته علاوه بر آیات قرآنی برخی روایات نیز به اخلاق مداری بسیار اهمیت داده اند؛ به طوری که در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که: «همانا من برای کامل کردن کرامت‌های اخلاقی مبعوث شده‌ام.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۱۰). بنابراین، مطابق این روایت اخلاق مداری به حدی مهم است که پیامبر (ص) مبعوث شدن خود را به پیامبری در این هدف دانسته است.

بنابراین، بی تردید اگر بخواهیم شاهد کاهش نرخ جرم در جامعه اسلامی باشیم، می‌بایست از شیوه‌ها و روش‌های تربیتی مناسب که مطابق با موازین و راهکارهای عقلی و شرعی است، بهره‌جویی کنیم. بهترین و کلیدی‌ترین شیوه‌های تربیتی را می‌توان در اقوال و افعال شایسته اهل بیت (ع) پی جویی کرد؛ زیرا آنان به عنوان بالاترین و برترین مربیان تربیتی بشر به حساب می‌آیند و تمامی مکاتب تربیتی عالم، چاره‌ای جز تسلیم و رهجویی از مکتب تربیتی اسلام و اهل بیت (ع) ندارند. بی‌گمان اهل بیت پیامبر (ص) بهترین و برترین سرمشق‌های اخلاقی برای کودکان هستند. هر کسی از بزرگ و کوچک اگر بخواهد در حوزه خودسازی و تزکیه نفس گام بردارد و فضایل اخلاقی را در خود ایجاد کند یا تقویت کند بایست از روش آنان پیروی کند.

– بازدارندگی به منظور مصلحت و نظم عمومی

تعزیر یا تأدیب کودکان مطابق با مبانی فقهی و اسلامی به منظور مصلحت و نظم عمومی در جامعه می‌گردد. اطلاق مبانی فقهی اثبات‌کننده این است که هدف از تأسیس دولت و

۱- آیات ۳۳ و ۱۹۹ سوره اعراف؛ آیات ۷۸، ۱۶۹، ۱۹۵، ۲۶۳ و ۲۶۸ سوره بقره؛ آیات ۱۰۴ و ۱۹۳ و ۱۹۸ سوره آل عمران؛ آیه ۷۷ سوره قصص؛ آیه ۷۱ سوره هود؛ آیه ۹۶ سوره مؤمنون؛ آیه ۵۳ سوره اسراء، ۵۳؛ آیه ۴۵ سوره عنکبوت و آیه ۱۵۱ سوره انعام.

۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِبَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ: ... ای مؤمنین خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ محافظت کنید.» (آیه ۶ سوره تحریم)

حکومت اسلامی، بر پا کردن عدل و قسط در جامعه، اصلاح امور جامعه، جلوگیری از ظلم و ستم و انحرافات و نیز قطع ریشہ‌های فساد و منکر است. بر ہمین اساس، امام علی(ع) وجود امامت و رہبری را از ضروریات دانسته اند تا سبب سامان یافتن امور جامعه اسلامی گردد و در سایہ آن از ظلم جلوگیری شود و صاحبان حق بہ حقوق خود برسند. (دشتی، ۱۳۸۳، ۶۸۳). بنابراین، یکی از ملزومات در جامعه حفظ نظام و رفع ظلم می باشد. (خوبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۲۷). کہ تنها با وضع قوانین انجام این امور امکان پذیر است و بدیہی است کہ چنانچہ متخلفان از مقررات و قوانین مجازات نشوند، این وضعیّت باعث هرج و مرج می شود و هیچ عقل سلیمی این را نمی پذیرد. از این رو، این قوانین باید ضمانت اجرایی داشته باشند. در این زمینہ فقہا بہ روایات متعدّد و سیرہ مشرّعہ و دلیل عقل استناد کرده اند - نیازی بہ بیان آن ادلّہ در این مقالہ نیست. از نظر عقلی نیز حکومت اسلامی موظف است در ہر زمان حسب نیاز جامعه نسبت بہ تدوین و وضع قوانین و مقررات خاص در راستای مصالح اجتماعی اقدام کند و نسبت بہ متخلفان پاسخ تادیبی یا کیفری مقرر نماید. شارع مقدس در مورد گناہانی کہ مفسدہ کمتری دارند مجوزّ تعزیر می دہد؛ وانگہی، بہ طریق اولی نسبت بہ سایر جرایم عمومی ای کہ نظم جامعه را مختل می کنند ساکت نیست. بدیہی است کہ در این موارد ضرورتی ندارد کہ سابقہ ای بر تحریم در نصوص وجود داشته باشد. بر این اساس، در مورد کودکان بزهکاری اتخاذ پاسخ های تادیبی یا کیفری در قالب تعزیر بہ منظور بازدارندگی آنها از فساد و تباهی در آیندہ ضروری می باشد تا از این طریق بتوان جامعه ای سالم، اسلامی داشت. بر ہمین اساس است کہ برخی عالمان فقہی در توجیہ جواز تعزیر کودکان ممیز بیان داشته اند کہ جواز تعزیر نسبت بہ کودک ممیز(صبی) بہ خاطر پیشگیری از فساد و قطع ریشہ‌های آن است و اصل در تشریح حدود و تعزیرات ہمین ملاک (قطع فساد) است» (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۰، ص ۱۱۸).

نتیجه گیری

پاسخ‌های ارائه شده به بزهکاری کودکان در حقوق کیفری اسلام براساس این واقعیت است که چنین پاسخ‌هایی بهره‌مند از مبانی اخلاقی و تربیتی مسلم می‌باشد. بهره‌مندی از این زیرساخت تربیتی به ویژه اخلاقی است که چنین پاسخ‌هایی تجویز می‌شود و از آنجا که از دیدگاه اسلامی نقش اصلی و اساسی در تأدیب و تربیت کودک را والدین در خانواده بر عهده دارند؛ لذا، آنها نیز می‌توانند برای تربیت دینی و اسلامی کودک چنین پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی را در عمل بکار بگیرند؛ زیرا این نوع پاسخ‌ها صبغه اخلاقی دارند؛ مشروعیت چنین پاسخ‌هایی در پرتو رعایت مبانی می‌باشد که به منظور حفظ و ارتقای ویژگی‌ها و خصائص اخلاقی به کار بسته می‌شوند. واکاوی گونه‌های این منابع نشان می‌دهد که این مبانی افزون بر اتقان، متنوع نیز می‌باشند و اموری همچون اهتمام به رشد کودک، اصلاح و بازپروری، ترویج و تعالی فضایل اخلاقی محبت‌مداری و عدالت‌محوری را در بر می‌گیرند. از دیدگاه اسلام، مطابق چنین مبانی‌ای، هنگام اجرای پاسخ‌ها باید شخصیت و کرامت کودک را محترم شمرده شود تا زمینه‌های لازم برای رشد فضایل اخلاقی در وی و سرنوشت وی در آینده فراهم گردد؛ همه امور دینی برپایه این واقعیت اساسی رقم می‌خورد که همه تکالیف و قوانین در راستای تربیت و تزکیه انسان و تقویت فضایل اخلاقی در فرد و جامعه است. در این میان پاسخ‌دهی به جرایم و انحرافات و به ویژه بزهکاریهای نوجوانان نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ لذا، ارزیابی و سنجش هر نوع اقدام در پاسخ‌دهی به بزهکاری کودکان در قوانین موضوعه برپایه همین معیار رقم می‌خورد. براین اساس هم برداشت‌های ناروایی که تعزیر خصوصاً تعزیر به معنای زدن با این واقعیت اسلامی در تضاد است و هم پاسخهایی که صرفاً نظم اجتماعی را مد نظر قرار می‌دهد با ارزشهای اخلاقی بیگانه است.

فهرست منابع

قران کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۳۷۸)، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیت الله المرعشی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت - لبنان، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم.
۳. ایمن، حافظ (۱۳۷۰)، دفاع جامعه در مقابل جرم و مجرم، ترجمه: محمد علی اردبیلی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق: درایتی، مصطفی، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
۵. جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۷)، آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون پذیری به کودکان (راهنمای عملی)، تهران، نشر ارجمند، چاپ اول.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، چاپ اول، دار العلم للملایین، بیروت.
۷. جهانبخشی، حیدر علی؛ رحمان ستایش، محمد کاظم؛ فضل الهی، سیف اله (۱۳۹۰)، « مبنای فقهی و حقوقی خشونت تربیتی در مواجهه با اطفال بزهکار»، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، دوره سیزدهم، شماره پنجاه.
۸. حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۸۸)؛ جبران خسارت بزه دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۹. حبیبی، تهمینه (۱۳۸۱)، « نقدی بر کنوانسیون حقوق کودک»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۶.
۱۰. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۹)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: انتشارات اسلامیة.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴)، تذکره الفقهاء قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.
۱۲. خمینی، روح الله (۱۳۹۲)، تحریر الوسیله، قم، انتشارات الجماعه المدرسین قم، چاپ بیست و ششم.
۱۳. خویی، سید ابو القاسم موسوی (۱۴۲۲)، مبنای تکملة المنهاج، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، چاپ اول.

۱۴. دانایی، امیرهوشنگ (۱۳۸۷)، مرشد، فرهنگ عربی-فارسی، تهران، انتشارات نگاه.
۱۵. دشتی، محمد (۱۳۸۳)، نهج البلاغه، قم، انتشارات پویشگر، چاپ اول.
۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن (مفردات الفاظ القرآن)، دمشق - بیروت، دارالقلم - الدار الشامیة، چاپ اول.
۱۸. سجادی، جعفر (۱۳۷۳)؛ فرهنگ معارف اسلامی، تهران، انتشارات کومش، چاپ سوم.
۱۹. سیاح، احمد (۱۳۷۳)، فرهنگ جامع عربی-فارسی، تهران، کتابفروشی اسلام، چاپ شانزدهم.
۲۰. صانعی، ابوذری (۱۳۹۷)، تعزیر و تأدیب کودک از منظر فقه و روانشناسی، تهران، دانشگاه عدالت.
۲۱. صانعی، پرویز (۱۳۷۱)، حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش، چاپ چهارم.
۲۲. صدوق، ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۶)، علل الشرائع، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول.
۲۳. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸)، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.
۲۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷)؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۲۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۱)، مجموعه مقالات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۲۶. طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶)، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
۲۷. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم.
۲۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، التبیان فی دائرة المعارف قرآن کریم، تحقیق: احمد حبیب قصیر عاملی، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۰. علی اکبری بابوکانی، احسان؛ عباسپور، رضا؛ ناصری، حسین، (۱۳۹۰)، «واکاوی مجازاتهای کودک از منظر فقه امامیه»، پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره هفتم.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم.
۳۲. قیاسی و همکاران (۱۳۹۱)، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم.
۳۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، مبانی حقوق عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم.

۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، اصول الکافی، چاپ اول، تہران، دار الاسوہ للطباعہ و النشر.
۳۵. متقی ہندی، علاءالدین علی بن حسام الدین (۱۴۱۳)، کنز الاعمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسہ الرسالہ.
۳۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار الجامعہ لدرر اخبار ائمہ الاطہار، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۷. محمدی اشتہاری، محمد (۱۳۷۶)؛ گناہ شناسی: درسہایی از قرآن از استاد محسن قرائتی در سیمای جمہوری اسلامی ایران، تہران، پیام آزادی، چاپ دوازدہم.
۳۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴)، فلسفہ اخلاق، تحقیق و نگارش: احمدحسین شریفی، قم: مؤسسہ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم.
۳۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، قم، مؤسسہ الطباعہ و النشر.
۴۰. معلمی، حسن (۱۳۸۴)، فلسفہ اخلاق، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.
۴۱. معین، محمد (۱۳۹۱)، فرہنگ فارسی معین، تہران، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و ہفتم.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)، اخلاق در قرآن، قم: امام علی بن ابیطالب (ع).
۴۳. موحدی پارسا، فاطمہ و ہمکاران (۱۳۹۷)، «امکان تربیت اخلاقی کودکان تا ہفت سال بر اساس آموزہ های اسلام (آیات و روایات)»، دوفصلنامہ علمی پژوهشی تربیت اسلامی، سال سیزدہم، شمارہ ۲۶.
۴۴. موسوی بجنوردی، سید محمود (۱۳۸۵)، بررسی نقش اخلاق در فقہ و حقوق (۱) و (۲)، بازتاب اندیشہ، شمارہ ۸۳.
۴۵. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)، جواہر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی، چاپ ہفتم.
۴۶. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسہ آل البیت (علیہم السلام) لإحیاء التراث، بیروت.
۴۷. واسطی زبیدی، محب الدین سید محمد مرتضی (۱۴۱۴)، تاج العروس من جواہر القاموس، بیروت - لبنان، دار الفکر للطباعہ و النشر و التوزیع، چاپ اول.

